

اسنادتاریخی در خطر ومسئولیت آرشویست‌هاومورخان



مجید تفریشی

تاریخ‌نگار و سندپژوه

حادثه ناگوار آتش‌سوزی اخیر در میدان حسن آباد تهران و از بین رفتن اسناد زیادی، از جمله اوراق ثبتی ارزشمند متعلق به برخی از مشاهیر ایرانی، از جمله «آیت‌الله ابوالقاسم کاشانی» و «دکتر محمد مصدق» در دفترخانه رسمی قدیمی شماره ۳۹ بار دیگر بحث کهنه ضرورت حفظ و نگهداری از اسناد تاریخی را در کانون توجه متخصصان و علاقه‌مندان عمومی تاریخ و میراث فرهنگی قرار داد. مسأله حفظ اسناد تاریخی، چه دولتی و چه خصوصی یا عمومی غیردولتی، بحث جدیدی نیست. به طور کلی نحوه برخورد افراد یا خانواده‌ها در ایران، با مسائلی چون اوراق، اسناد یا کاغذ، امری به قدمت تاریخ کاغذ کتابت ونسخه‌بردازی است وبتدریج با گسترش مسأله چاپ ونشر به شیوه مدرن وتشکیل دولت منسجم ومتمرکز از آغاز سده نوزدهم میلادی، ابعاد دامنه آن گسترش بیشتری یافت.

از همین دوران بود که برخورد مردم، اعم از افراد شاخص یا مردمان عادی، با اوراق گوناگون دارای ارزش شخصی یا اداری، وجوهی دوگانه یافت. از یک سو به‌دلیل اهمیت مالی، اداری و خانوادگی، این اوراق جایگاه ویژه‌ای داشتند و از سوی دیگر، اساساً حفظ و نگهداری اوراق و مدارک شخصی، در برهه‌های مختلف، خادک‌خوری بالقوه بود که می‌توانست به‌عنوان سند اتهامی یا سرخن جرم علیه دارند و نگهدارنده آن مورد استفاده واقع شود. از این رو، سنت مخفی کاری در مورد اسناد شخصی، با انگیزه‌های سیاسی یا مالی، بخش لاینفک فرهنگ خانواده‌ها یا مجموعه داران بوده و هست. علاوه بر این فرهنگ، باید به عادت تصور غیرواقعی وبیش از حد درباره ارزش مادی اوراق خانوادگی وبرعکس بی‌اعتنایی وترس و نتیجتاً از بین بردن این نوع اسناد توسط بازماندگان نیز مزید بر علت پنهان ماندن یا نابودی اسناد ارزشمند شخصی و خانوادگی شده است.

همان فرهنگی که منجر به اختفای یادداشت‌های «اسدالله علم» یا خاطرات وتآلمات محمد مصدق برای سال‌ها، حتی از نزدیکترین اعضای خانواده یا امحای بسیاری از اسناد «حسن تقی زاده» توسط همسر آلمانی او شد.از همین رو بود که وقتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، انبوهی از مدارک و اسناد خانوادگی شماری از افراد مصادره اموال شده جهت ردیابی اموال آنان ضبط شد، از میان آنان میلیون‌ها برگ اسناد تاریخی یافت شد که مواد اصلی وسنگ بنای مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، توسط بنیاد مستضعفان افرارهم کرد.

سوای آرشوهای سلطنتی ودولتی که بتدریج از اوایل سلطنت قاجاریه نظم ونسقی یافت، از زمان تأسیس سازمان اسناد یا به تعبیر امروزی، آرشوی ملی ایران، در ادبیهمش ۱۳۴۹ همگام با اهتمام به شناسایی، جمعیت، نگهداری و طبقه‌بندی اسناد دولتی، افراد و خانواده‌ها نیز تشویق شدند تا اسناد خود را به آرشو ملی فروخته یا اهدا کنند. این تلاش پس از حدود نیم قرن که از تأسیس سازمان اسناد گذشته، همچنان ادامه دارد.

تلاش بی‌وقفه برای خرید یا اهدای اسناد تاریخی به آرشو ملی ایران، با چند چالش جدی مواجه است: نخست آنکه آرشو ملی ایران از ابتدا، آن طور که بایسته و شایسته است، نه تنها توسط نخبگان و افکار عمومی که توسط خود دوایر دولتی جدی گرفته نشده است. همین هفته گذشته بود که «اشرف بروجردی» رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران که در واکنش به آتش‌سوزی میدان حسن آباد، دفترخانه شماره ۳۹ وسوختن اسناد مهم تاریخی مصاحبه می‌کرد، از ۶۴ دستگاه دولتی، از جمله صدا وسوله‌ها و در داخل کوی‌ها وزارت خارجه، به‌عنوان نمونه‌هایی یاد کرد که برخلاف قانون، از انتقال اسناد بایگانی راکد خود به آرشو ملی خودداری می‌کنند. نمونه دیگر، اظهارات دلسوزانه سه ماه

قبل مسئول آرشو ملی شعبه کرمان در مورد وضعیت نایسامن ساختمان فعلی آرشو در آن منطقه و در معرض نابودی قرار گرفتن ۱۴ میلیون سند مهم تاریخی در آن

البته این مؤسسات تنها دوایر دولتی نیستند که از جمعیت اسناد راکد خود در آرشو ملی ایران خودداری می‌کنند. نگاهی گذرا به سازمان اداری ایران، حتی نهاد ریاست جمهوری و وجود بخش وسازمانی

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

تأسیس خود برنامه‌ای برای خرید اسناد

شخصی داشته که طی حدود نیم قرن

اخیر، با مشورت جمعی از سندشناسان

ویژه‌هشگران محترم و شناخته شده، به

خرید این قبیل اسناد شخصی می‌پردازد.

ولی توان خرید و مبلغ پیشنهادی آرشو

برای اسناد پیشنهادی خصوصی معمولاً

پایین‌تر از موارد پیشنهادی و مبالغ مورد

نظر فروشندگان است. در نتیجه جمعی

از دارندگان اسناد خصوصی با ترجیح

می‌دهند که اسنادشان را به مجموعه داران

خصوصی داخلی یا خارجی فروخته یا آنها

را برای خود و خانواده خود نگه دارند.

مسأله دیگر، محدود بودن ساز و کار

فرهنگ اهدای اسناد شخصی به مراکز

آرشویی در ایران است. در کشورهای

مختلف پیشرفته از نظر پژوهش‌های

تاریخی و آرشوداری، امکانات مختلفی

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

حسن توجه از هر دو سو لازم به تکرار و

استمرار است.

در شرایطی که در کمتر جایی از

جهان امکان خرید یا اهدای همه اسناد

موجود شخصی توسط مؤسسات آرشویی

وجود دارد، راهکارهای میانه‌ای وجود

دارد که می‌تواند به جلوگیری یا کاهش

مصایبی چون حادثه دفترخانه شماره ۳۹

حسن آباد کمک کند.

نخست: لازم است که امنیت قضایی

و سیاسی و تملک اسناد تاریخی توسط

افراد یا خانواده‌ها، قانوناً و عملاً به رسمیت

شناخته شود تا بتوان دارندگان را ترغیب

کرد که با پرهیز از سیاست پنهان‌کاری و

کنمان، درباره اسناد احتمالاً مهم خود

اطلاع‌رسانی کرده و آرشوها و محققان را

از وجود آنها آگاه سازند.

دوم: باید این فرهنگ را جاری ساخت

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و